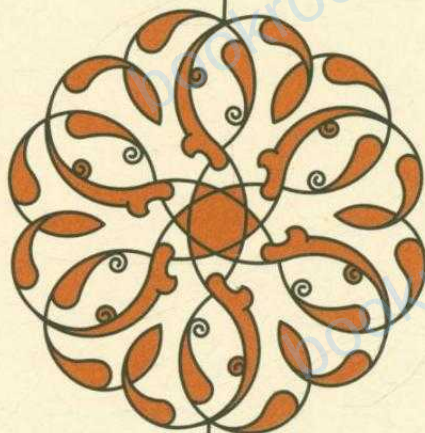


فیضیه کثران



دانشنامه مفاهیم مدرسه علمیه مروی

وسپهسالار قدیم (شهید بهشتی)

پژوهش و نگارش: حمید سبحانی صدر

به سفارش «معاونت پژوهش حوزه علمیه مروی»

۱۷	مقدمه تولیت معظم مدرسه مروی
۱۹	پیش‌گفتار
۲۲	حوزه حکمی تهران
۲۳	مدرسه مروی در تندباد حوادث
۲۴	مخالفت با ورود طلاب به مشاغل دولتی طاغوت
۲۶	از مدرسه مروی به دانشگاه
۲۶	مدرسه مروی در مسیر نهضت امام خمینی
۲۹	درباره این کتاب
۳۱	چند نکته پیرامون این کتاب

❖ فصل اول: از تاسیس تا وفات حاج ملاعلی کنی

۳۵	۱. مرحوم فخرالدوله محمدحسین خان مروی
۳۵	(م ۱۲۳۳ق/ ۱۱۹۸ش)، بانی مدرسه مروی
۳۹	۲. ملا عبدالله زنوزی
۴۹	(م ۱۲۵۷ق/ ۱۲۱۹ - ۱۲۲۰ش)، مدرس مدرسه مروی
۵۵	۳. میرزا مسیح مجتهد طهرانی
۵۵	(م ۱۲۶۳ق/ ۱۲۲۵ - ۱۲۲۶ش)، متولی مدرسه مروی
۶۴	۴. ملا محمدعلی ناظر طهرانی
۶۴	(نیمه دوم قرن سیزدهم هجری قمری)، ناظر مدرسه مروی و موقوفات آن
۶۵	۵. ملا محمدتقی اردکانی
۶۵	(م ۱۲۶۷ق/ ۱۲۲۹ - ۱۲۳۰ش)، مدرس مدرسه مروی

۶. سید میرزا ابوالقاسم اصفهانی خاتون آبادی ۶۸
- (م ۱۲۷۲ق/ ۱۲۳۴ش)، طلبه مدرسه مروی ۶۸
۷. میرزا محمد اندرومانی طهرانی ۷۶
- (م ۱۲۸۲ق/ ۱۲۴۳ش)، متولی مدرسه مروی ۷۶
۸. سید علی تنکابنی ۷۹
- (م بعد از ۱۲۸۷ق/ ۱۲۴۹ش)، مدرس مدرسه مروی ۷۹
۹. میرزا ابوالقاسم کلاتر طهرانی ۷۹
- (م ۱۲۹۲ق/ ۱۲۵۴ش)، مدرس مدرسه مروی ۷۹
۱۰. ملا محمد مهدی حنّار ۸۲
- (م قبل از ۱۲۹۵ق/ ۱۲۵۶-۱۲۵۷ش)، مدرس مدرسه مروی ۸۳
۱۱. ملا هادی مدرس طهرانی ۸۵
- (م ۱۲۹۵ق/ ۱۲۵۶-۱۲۵۷ش)، متولی و مدرس رسمی مدرسه مروی ۸۵
۱۲. ملا حسن خونی ۸۸
- (حیات در اواخر قرن سیزده هجری)، طلبه مدرسه مروی ۸۸
۱۳. میرزا حسن نوری ۹۰
- (اواخر قرن سیزدهم هجری)، مدرس مدرسه مروی ۹۰
۱۴. شیخ محمد حسن چالهمیدانی ۹۱
- (اواخر قرن سیزدهم هجری)، مدرس مدرسه مروی ۹۱
۱۵. شیخ علی اصغر بروجردی ۹۲
- (م قریب ۱۳۰۰ق/ ۱۲۶۱-۱۲۶۲ش)، از مفاخر مدرسه مروی ۹۲
۱۶. ملا آقا بزرگ ناظر طهرانی ۹۳
- (م ۱۳۰۲ق/ ۱۲۶۳-۱۲۶۴ش)، ناظر مدرسه مروی و موقوفات آن ۹۳
۱۷. شیخ محمد حسین فاضل اردکانی ۹۵
- (م ۱۳۰۲ق/ ۱۲۶۳-۱۲۶۴ش)، طلبه مدرسه مروی ۹۵
۱۸. میرزا محمد تنکابنی ۹۷
- (م ۱۳۰۲ق/ ۱۲۶۴ش)، طلبه مدرسه مروی ۹۷
۱۹. میرزا عبدالرحیم نهاوندی ۹۹
- (م ۱۳۰۴ق/ ۱۲۶۵ش)، مدرس رسمی مدرسه مروی ۹۹
۲۰. ملا نظر علی طالقانی ۱۰۲

۱۰۲ ----- مدرّس مدرّسه مروی (م ۱۳۰۶/ق ۱۲۶۷ - ۱۲۶۸ ش)، مدرّس مدرّسه مروی

۱۰۶ ----- ۲۱. حاج ملا علی کنّی

۱۰۶ ----- (م ۱۳۰۶/ق ۱۲۶۷ ش)، متولی مدرّسه مروی

❖ فصل دوم: اروفات حاج ملا علی کنّی تا وفات آیت الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی ۱۲۷

۱۲۹ ----- ۲۲. آقا علی مدرّس طهرانی

۱۲۹ ----- (م ۱۳۰۷/ق ۱۲۶۹ ش)، طلبه مدرّسه مروی و مدرّس مدرّسه سپهسالار

۱۳۳ ----- ۲۳. سید خلیل الله حبیبی طهرانی

۱۳۳ ----- (م ۱۳۰۸/ق ۱۲۶۹ - ۱۲۷۰ ش)، طلبه مدرّسه مروی

۱۳۵ ----- ۲۴. شیخ صادق همدانی

۱۳۵ ----- (م بعد از ۱۳۱۰/ق ۱۲۷۱ - ۱۲۷۲ ش)، مدرّس مدرّسه مروی کوچک

۱۳۶ ----- ۲۵. سید میرزا محمد حسین شهرستانی

۱۳۶ ----- (م ۱۳۱۵/ق ۱۲۷۶ ش)، امام جماعت مدرّسه مروی

۱۳۹ ----- ۲۶. میرزا ابوالفضل کلانتر تهرانی

۱۳۹ ----- (م ۱۳۱۶/ق ۱۲۷۷ ش)، طلبه مدرّسه مروی

۱۴۵ ----- ۲۷. آیت الله سید محمد لواسانی

۱۴۵ ----- (م ۱۳۱۷/ق ۱۲۷۸ ش)، طلبه مدرّسه مروی

۱۴۶ ----- ۲۸. شیخ حیدرقلی قاجار نهاوندی

۱۳۶ ----- (م ۱۳۱۸/ق ۱۲۷۹ ش)، محصل و مدرّس در مدرّسه سپهسالار

۱۴۷ ----- ۲۹. حاج میرزا محمد حسن آشتیانی

۱۴۷ ----- (م ۱۳۱۹/ق ۱۲۸۰ - ۱۲۸۱ ش)، متولی مدرّسه مروی

۱۶۱ ----- ۳۰. شیخ محمد حسن ناظر طهرانی

۱۶۱ ----- (م بعد از ۱۳۲۰/ق ۱۲۸۱ ش)، ناظر مدرّسه مروی و موقوفات آن

۱۶۲ ----- ۳۱. ملا محمد زمان طبرسی (مازندرانی)

۱۶۲ ----- (م ۱۳۲۲/ق ۱۲۸۳ ش)، طلبه مدرّسه مروی

۱۶۵ ----- ۳۲. سید عزیز الله دعا نویس طهرانی

۱۶۵ ----- (م ۱۳۲۲/ق ۱۲۸۳ ش)، طلبه مدرّسه مروی

۱۶۷ ----- ۳۳. سید عبدالکریم حسینی لاهیجی

۱۶۷ ----- (م ۱۳۲۳/ق ۱۲۸۴ ش)، مدرّس رسمی مدرّسه مروی

۳۲. ملا اسماعیل قره‌باغی نجفی ۱۷۲
۳۳. میرزا جعفر آشتیانی معروف به آقا میرزا کوچک آشتیانی ۱۷۲ (م ۱۳۲۳/ق ۱۲۸۳-۱۲۸۴ش)، طلبه مدرسه مروی
۳۴. شیخ محمد باقر اصطهباناتی شیرازی ۱۷۴ (م ۱۳۲۴/ق ۱۲۸۴-۱۲۸۵ش)، طلبه مدرسه سپهسالار
۳۵. میرزا رضا قلی شاه عبدالعظیمی ۱۷۵ (شهادت ۱۳۲۶/ق ۱۲۸۶-۱۲۸۷ش)، مدرّس مدرسه مروی
۳۶. سید میرشهاب‌الدین نیریزی ۱۷۷ (م ۱۳۲۶/ق ۱۲۸۶-۱۲۸۷ش)، طلبه و از علمای ساکن مدرسه مروی
۳۷. سید محمد تقی تنکابنی ۱۷۷ (م ۱۳۲۷/ق ۱۲۸۸ش)، مدرّس مدرسه مروی
۳۸. آیت‌الله شیخ محمد علی گزانی ۱۷۹ (م ۱۳۲۷/ق ۱۲۸۸-۱۲۸۹ش)، مدرّس مدرسه مروی
۳۹. سید میرزا حسن طهرانی ۱۸۰ (م ۱۳۲۷/ق ۱۲۸۸ش)، طلبه مدرسه سپهسالار
۴۰. سید آقا میرزا افجه‌ای نجفی ۱۸۵ (م ۱۳۲۸/ق ۱۲۸۹ش)، طلبه مدرسه مروی
۴۱. آخوند ملا محمد علی رستم آبادی ۱۸۷ (م ۱۳۳۰/ق ۱۲۹۰-۱۲۹۱ش)، مدرّس رسمی مدرسه مروی
۴۲. سید حسین صدرالحفاظ رضوی قمی ۱۸۷ (م ۱۳۳۲/ق ۱۲۹۲-۱۲۹۳ش)، امام جماعت مسجد مروی
۴۳. میرزا جواد جهان‌بخش نهاوندی ۱۸۹ (م ۱۳۳۲/ق ۱۲۹۲-۱۲۹۳ش)، طلبه مدرسه مروی
۴۴. شیخ الرئیس ابوالحسن میرزای قاجار ۱۹۰ (م ۱۳۳۳/ق ۱۲۹۳-۱۲۹۴ش)، مدرّس مدرسه مروی
۴۵. شیخ علی مدرّس نوری ۱۹۲ (م ۱۳۳۴/ق ۱۲۹۷ش)، طلبه مدرسه سپهسالار
۴۶. (م حدود ۱۳۳۵/ق ۱۲۹۵-۱۲۹۶ش)، طلبه مدرسه سپهسالار و مدرّس مدرسه مروی ۱۹۵

۴۸. آیت الله حاج سید محمدباقر لواسانی ۱۹۷
۴۹. آیت الله شیخ محمدباقر معزالدوله ای تهرانی (م ۱۳۳۵ - ۱۳۳۶/ق ۱۲۹۶ ش)، مدرّس مدرّسه مروی ۱۹۷
۵۰. میرزا حسن کرمانشاهی (م ۱۳۳۶/ق ۱۲۹۶ ش)، محصل و مدرّس مدرّسه مروی ۱۹۹
۵۱. شیخ مسیح طالقانی (م ۱۳۳۶/ق ۱۲۹۶ - ۱۲۹۷ ش)، طلبه مدرّسه مروی و مدرّس مدرّسه سپهسالار ۲۰۳
۵۲. آخوند ملا حبیب الله شریف کاشانی (م ۱۳۳۹/ق ۱۲۹۹ ش)، مدرّس رسمی مدرّسه مروی ۲۰۵
۵۳. شیخ محمد حسین وثوق الشریعه ساوجی الوسجری (م ۱۳۴۰/ق ۱۳۰۰ ش)، طلبه مدرّسه مروی ۲۰۸
۵۴. شیخ عبدالنبی نوری طهرانی (م حدود ۱۳۴۴ ق)، محصل و مدرّس مدرّسه مروی ۲۰۹
۵۵. شیخ محمد علی نوری (م ۱۳۴۴/ق ۱۳۰۴ ش)، طلبه مدرّسه سپهسالار و مروی و مدرّس مدرّسه مروی ۲۱۳
۵۶. آیت الله سید محمد مدرّسی یزدی (م ۱۳۴۵/ق ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶ ش)، نایب تولیت مدرّسه مروی ۲۱۷
۵۷. میرزا محمود حکمی قمی (م ۱۳۴۵/ق ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶ ش)، مدرّس مدرّسه مروی ۲۱۹
۵۸. شیخ محمد حسین خراسانی (م ۱۳۴۶/ق ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷ ش)، محصل و مدرّس مدرّسه مروی ۲۲۱
۵۹. شیخ عبدالله اندرمانی (م ۱۳۴۷/ق ۱۳۰۸ ش)، مدرّس مدرّسه مروی ۲۲۳
۶۰. میرزا لطفعلی صدرالافاضل شیرازی (م ۱۳۴۸/ق ۱۳۰۸ ش)، طلبه مدرّسه مروی ۲۲۴
۶۱. آیت الله سید ابوالحسن طالقانی (م ۱۳۵۰/ق ۱۳۱۰ ش)، طلبه مدرّسه سپهسالار ۲۲۵
۶۲. آیت الله سید ابوالحسن طالقانی (م ۱۳۵۰/ق ۱۳۱۰ ش)، مدرّس مدرّسه مروی ۲۲۶

۶۲. شیخ محمد حسین ندوشنی یزدی ----- ۲۳۲

۲۳۲ ----- (م ۱۳۵۱/ق ۱۳۱۱ش)، مدرّس مدرسه مروی

۶۳. شیخ محمد تقی نهاوندی ----- ۲۳۳

۲۳۳ ----- (م ۱۳۵۳/ق ۱۳۱۳-۱۳۱۴ش)، مدرّس مدرسه مروی

۶۴. آیت الله سید محمد لواسانی طهرانی معروف به عصار ----- ۲۳۳

۲۳۳ ----- (م ۱۳۵۶/ق ۱۳۱۶ش)، طلبه مدرسه مروی

۶۵. شیخ محمود یاسری ----- ۲۳۵

۲۳۵ ----- (م ۱۳۵۶/ق ۱۳۱۵-۱۳۱۶ش)، طلبه مدرسه مروی

۶۶. آیت الله حاج آقا بزرگ ساوجبی ----- ۲۳۶

۲۳۶ ----- (م ۱۳۵۷/ق ۱۳۱۷ش)، مدرّس مدرسه مروی

۶۷. شیخ محمد علی، حاج آقا کوچک ساوجبی ----- ۲۳۹

۲۳۹ ----- (وفات نامعلوم)، مدرّس مدرسه مروی

۶۸. آیت الله سید ابوالقاسم تقوی قزوینی ----- ۲۴۱

۲۴۱ ----- (م ۱۳۵۹/ق ۱۳۱۸-۱۳۱۹ش)، طلبه مدرسه مروی و سپهسالار

۶۹. آیت الله سید محمد تنکابنی ----- ۲۴۱

۲۴۱ ----- (م ۱۳۵۹/ق ۱۳۱۹ش)، محصل و مدرّس رسمی مدرسه مروی

۷۰. آیت الله سید محمد رضا حسینی افجه‌ای ----- ۲۴۳

۲۴۳ ----- (م ۱۳۶۲/ق ۱۳۲۲ش)، محصل و مدرّس مدرسه مروی

۷۱. میرزا محمد علی ادیب تهرانی ----- ۲۴۴

۲۴۴ ----- (م ۱۳۶۷/ق ۱۳۲۷ش)، محصل و مدرّس مدرسه مروی

۷۲. آیت الله حاج سید هادی طالقانی ورامینی ----- ۲۴۵

۲۴۵ ----- (م ۱۳۶۴/ق ۱۳۲۳-۱۳۲۴ش)، محصل و مدرّس مدرسه مروی

۷۳. آیت الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی ----- ۲۴۷

۲۴۷ ----- (م ۱۳۶۵/ق ۱۳۲۵ش)، تولیت مدرسه مروی

❖ عمل سوم: از تولیت آیت الله میرزا احمد آشتیانی تا وفات آیت الله میرزا محمد باقر آشتیانی .. ۲۶۳

۷۴. شیخ علی اکبر نهاوندی ----- ۲۶۵

۲۶۵ ----- (م ۱۳۶۹/ق ۱۳۲۸ش)، طلبه مدرسه مروی

۷۵. آیت الله شیخ محمد نهاوندی ----- ۲۶۷

- ۲۶۷ ----- (م ۱۳۷۱/ق ۱۳۳۰ش)، طلبه مدرسه مروی
- ۲۶۹ ----- آیت الله میرزا مهدی آشتیانی
- ۲۶۹ ----- (م ۱۳۷۲/ق ۱۳۳۲ش)، طلبه مدرسه مروی و مدرس راتب مدرسه سپهسالار
- ۲۷۶ ----- ۷۷. سید محمد تقی آل احمد طالقانی
- ۲۷۶ ----- (شهادت ۱۳۷۲/ق ۱۳۳۲ش)، طلبه مدرسه مروی
- ۲۷۹ ----- ۷۸. شیخ مرتضی زاهد
- ۲۷۹ ----- (م ۱۳۷۲/ق ۱۳۳۲ش)، طلبه مدرسه مروی
- ۲۸۱ ----- ۷۹. حاج شیخ مهدی فاضل اندرمانی
- ۲۸۱ ----- (م ۱۳۷۲/ق ۱۳۳۲ش)، محصل و مدرس مدرسه مروی
- ۲۸۲ ----- ۸۰. شیخ محمد علی روحی اصفهانی
- ۲۸۲ ----- (م ۱۳۷۳/ق ۱۳۳۲ش)، مدرس مدرسه مروی
- ۲۸۲ ----- ۸۱. سید ابوالحسن زاهدی تنکابنی
- ۲۸۲ ----- (م ۱۳۷۳/ق ۱۳۳۲ش)، مدرس مدرسه مروی
- ۲۸۳ ----- ۸۲. میرزا محمد علی مدرس تبریزی
- ۲۸۳ ----- (م ۱۳۷۳/ق ۱۳۳۳ش)، مدرس راتب مدرسه سپهسالار
- ۲۸۸ ----- ۸۳. شیخ محمد رضا قاضی تهرانی
- ۲۸۸ ----- (م ۱۳۷۴/ق ۱۳۳۳ش)، تالی مدرس مدرسه مروی
- ۲۸۹ ----- ۸۴. آیت الله سید مصطفی لواسانی
- ۲۸۹ ----- (م ۱۳۷۶/ق ۱۳۷۷ش)، محصل و مدرس مدرسه مروی
- ۲۹۲ ----- ۸۵. آیت الله حاج شیخ مهدی امیرکلانی مازندرانی
- ۲۹۲ ----- (م ۱۳۷۸/ق ۱۳۳۷ش)، طلبه مدرسه مروی و سپهسالار
- ۲۹۷ ----- ۸۶. شیخ علی بن قاسم کاشمری
- ۲۹۷ ----- (م ۱۳۷۸-۱۳۷۹/ق ۱۳۳۸ش)، مدرس مدرسه سپهسالار
- ۲۹۸ ----- ۸۷. حاج شیخ هادی مقدس تهرانی
- ۲۹۸ ----- (م ۱۳۷۹/ق ۱۳۳۸ش)، مدرس مدرسه مروی
- ۳۰۱ ----- ۸۸. حاج سید احمد طالقانی
- ۳۰۱ ----- (م ۱۳۸۱/ق ۱۳۴۰ش)، طلبه مدرسه مروی
- ۳۰۳ ----- ۸۹. آیت الله سید میرزا آقا ترابی دامغانی
- ۳۰۳ ----- (م ۱۳۸۲/ق ۱۳۴۱ش)، طلبه مدرسه مروی

۹۰. آیت الله سید محمد بهبهانی ۳۰۶
- ۳۰۶ (م ۱۳۸۳/ق ۱۳۴۲) ش، محصل و تولیت مدرسه مروی
۹۱. آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی ۳۰۹
- ۳۰۹ (م ۱۳۸۵/ق ۱۳۴۴) ش، مدرّس مدرسه مروی
۹۲. آیت الله میرزا عبدالعلی تهرانی ۳۱۱
- ۳۱۱ (م ۱۳۸۷/ق ۱۳۴۶) ش، طلبه مدرسه مروی
۹۳. آیت الله سید محی الدین علوی طالقانی ۳۱۴
- ۳۱۴ (م ۱۳۸۷/ق ۱۳۴۷) ش، محصل و مدرّس مدرسه مروی
۹۴. شیخ علی اعتمادالو عظیم رشتی ۳۱۶
- ۳۱۶ (م ۱۳۸۹/ق ۱۳۴۸) ش، مدرّس مدرسه مروی
۹۵. شیخ آقابزرگ تهرانی ۳۱۸
- ۳۱۸ (م ۱۳۸۹/ق ۱۳۴۸) ش، طلبه مدرسه مروی
۹۶. آیت الله شیخ محمد تقی آملی ۳۲۲
- ۳۲۲ (م ۱۳۹۱/ق ۱۳۵۰) ش، طلبه مدرسه مروی و سپهسالار
۹۷. آیت الله حاج میرزا عبدالله سعید تهرانی ۳۳۱
- ۳۳۱ (م ۱۳۹۱/ق ۱۳۵۰) ش، طلبه مدرسه مروی
۹۸. میرزا محمد علی حکیم شیرازی ۳۳۶
- ۳۳۶ (مفقود ۱۳۹۱/ق ۱۳۵۰) ش، مرتبط و مؤثر در مدرسه مروی
۹۹. علامه میرزا ابوالحسن شعرانی ۳۳۹
- ۳۳۹ (م ۱۳۹۳/ق ۱۳۵۲) ش، محصل و مدرّس مدرسه مروی
۱۰۰. آیت الله سید محمد کاظم عصار ۳۴۲
- ۳۴۲ (م ۱۳۹۴/ق ۱۳۵۳) ش، طلبه مدرسه مروی و سپهسالار
۱۰۱. علامه سید ابوالحسن رفیعی قزوینی ۳۴۹
- ۳۴۹ (م ۱۳۹۵/ق ۱۳۵۳) ش، محصل و مدرّس مدرسه مروی
۱۰۲. میرزا احمد آشتیانی ۳۵۲
- ۳۵۲ (م ۱۳۹۵/ق ۱۳۵۴) ش، تولیت مدرسه مروی
۱۰۳. آیت الله سید صدرالدین شوشتری جزایری ۳۶۶
- ۳۶۶ (م ۱۳۹۶/ق ۱۳۵۴-۱۳۵۵) ش، محصل و مدرّس مدرسه مروی
۱۰۴. آیت الله حاج شیخ اسماعیل جابلقی ۳۶۸

- ۳۶۸ مدرّس مدرّسه مروی (م ۱۳۹۸/ق ۱۳۵۷ش)،
- ۳۷۰ آیت الله شیخ علی چیدری نهاوندی
- ۳۷۰ مدرّس مدرّسه مروی و سپهسالار (م ۱۳۷۶/ق ۱۳۳۵ش)،
- ۳۷۳ آیت الله حاج سید عباس طباطبائی فشارکی
- ۳۷۳ مدرّس رسمی مدرّسه مروی (م ۱۴۰۰/ق ۱۳۵۸ش)،
- ۳۷۴ آیت الله حاج سید علی بطحانی گلپایگانی
- ۳۷۴ مدرّس مدرّسه سپهسالار (م ۱۴۰۰/ق ۱۳۵۹ش)،
- ۳۷۷ آیت الله سید احمد زیارتی
- ۳۷۷ محصل و مدرّس مدرّسه مروی (م ۱۴۰۰/ق ۱۳۵۹ش)،
- ۳۸۱ شهید آیت الله مرتضی مطهری
- ۳۸۱ مدرّس مدرّسه مروی (شهادت ۱۴۰۰/ق ۱۳۵۹ش)،
- ۳۸۸ آیت الله سید محمد حسن حسینی لواسانی
- ۳۸۸ مدرّس مدرّسه مروی (م ۱۴۰۰/ق ۱۳۵۹ش)،
- ۳۸۹ شهید آیت الله حاج شیخ قاسم اسلامی
- ۳۸۹ مدرّس مدرّسه مروی (شهادت ۱۴۰۰/ق ۱۳۵۹ش)،
- ۳۹۲ حاج شیخ مصطفی مسجد جامع
- ۳۹۲ طلبه و کتابدار مدرّسه مروی (م ۱۴۰۲/ق ۱۳۶۱ش)،
- ۳۹۵ آیت الله حاج میرزا محمد باقر آشتیانی
- ۳۹۵ متولی مدرّسه مروی (م ۱۴۰۳/ق ۱۳۶۳ش)،

❖ فصل چهارم: از آغاز تولیت آیت الله مهدوی کمری تا آخرین درگذشتگان اخیر ۴۰۵

- ۴۰۷ ۱۱۴. شیخ مرتضی کاظمیان
- ۴۰۷ مدرّس مدرّسه مروی (م ۱۴۰۵/ق ۱۳۶۳ش)،
- ۴۰۹ ۱۱۵. شیخ ضیاء الدین ابن یوسف حدائق شیرازی
- ۴۰۹ مدرّس مدرّسه مروی (م ۱۴۰۶/ق ۱۳۶۶ش)،
- ۴۱۱ ۱۱۶. دکتر محمود شهابی خراسانی
- ۴۱۱ مدرّس مدرّسه مروی (م ۱۴۰۶/ق ۱۳۶۵ش)،
- ۴۱۴ ۱۱۷. آیت الله حاج شیخ علی محمد جولستانی
- ۴۱۴ محصل و مدرّس مدرّسه سپهسالار (م ۱۴۰۷/ق ۱۳۶۵ش)،

۱۱۸. سید جلال‌الدین حسینی تهرانی ----- ۴۱۷
- ۴۱۷ ----- (م ۱۳۰۷/ق ۱۳۶۶ش)، طلبه مدرسه سپهسالار و کتابدار مدرسه مروی
۱۱۹. آیت‌الله سید محمدعلی سیط ----- ۴۲۵
- ۴۲۰ ----- (م ۱۳۰۷/ق ۱۴۰۸ش)، مدرّس مدرسه مروی و امام جماعت مسجد مروی
۱۲۵. حجت‌الاسلام حاج میرزا حسن ظهیری ----- ۴۲۳
- ۴۲۳ ----- (م ۱۳۰۸/ق ۱۳۶۶ش)، مدرّس مدرسه مروی
۱۲۱. حجت‌الاسلام دکتر سید جواد مصطفوی ----- ۴۲۳
- ۴۲۳ ----- (م ۱۳۰۹/ق ۱۳۶۸ش)، محصل و مدرّس مدرسه مروی
۱۲۲. شیخ عبدالرزاق قاننی ----- ۴۲۴
- ۴۲۴ ----- (م ۱۳۱۰/ق ۱۳۶۹ش)، مدرّس مدرسه مروی
۱۲۳. شیخ علی اکبر صبوری قمی ----- ۴۲۵
- ۴۲۵ ----- (م ۱۳۱۰/ق ۱۳۶۸-۱۳۶۹ش)، مدرّس مدرسه مروی
۱۲۲. آیت‌الله سید هاشم حسینی تهرانی ----- ۴۲۶
- ۴۲۶ ----- (م ۱۳۱۱/ق ۱۳۷۰ش)، طلبه مدرسه مروی
۱۲۵. آیت‌الله سید محمدحسن میرجهانی ----- ۴۲۹
- ۴۲۹ ----- (م ۱۳۱۳/ق ۱۳۷۱ش)، مدرّس مدرسه مروی
۱۲۶. آیت‌الله شیخ محمدرضا محقق تهرانی ----- ۴۳۲
- ۴۳۲ ----- (م ۱۳۱۵/ق ۱۳۷۳ش)، مدرّس مدرسه مروی
۱۲۷. آیت‌الله سید محمدرضا علوی تهرانی ----- ۴۳۳
- ۴۳۳ ----- (م ۱۳۱۷/ق ۱۳۷۵ش)، محصل و مدرّس مدرسه سپهسالار
۱۲۸. پروفیسور عبدالجواد فلاطوری اصفهانی ----- ۴۳۵
- ۴۳۵ ----- (م ۱۳۱۷/ق ۱۳۷۵ش)، طلبه مدرسه مروی و سپهسالار
۱۲۹. آیت‌الله احمدعلی احمدی شاهرودی ----- ۴۳۹
- ۴۳۹ ----- (م ۱۳۱۷/ق ۱۳۷۵ش)، مدرّس مدرسه مروی
۱۳۵. آیت‌الله حاج شیخ احمد حجتی میانجی ----- ۴۴۵
- ۴۴۰ ----- (م ۱۳۱۸/ق ۱۳۷۶ش)، محصل و مدرّس مدرسه مروی
۱۳۱. علامه محمدتقی جعفری ----- ۴۴۲
- ۴۴۲ ----- (م ۱۳۱۹/ق ۱۳۷۷ش)، محصل و مدرّس مدرسه مروی
۱۳۲. آیت‌الله دکتر مهدی حائری یزدی ----- ۴۴۷

- ۴۴۷ ----- (م ۱۳۲۰/ق ۱۳۷۸ش)، مدرّس راتب مدرّسه سپهسالار
- ۴۵۱ ----- ۱۳۳. آیت الله حاج شیخ مهدی حائری تهرانی
- ۴۵۱ ----- (م ۱۳۲۱/ق ۱۳۷۹ش)، طلبه مدرّسه مروی
- ۴۵۵ ----- ۱۳۴. آیت الله شیخ محمد پاکتچی تبریزی
- ۴۵۵ ----- (م ۱۳۲۲/ق ۱۳۸۰ش)، مدرّس مدرّسه مروی
- ۴۵۸ ----- ۱۳۵. آیت الله میرزا عبدالکریم حق شناس
- ۴۵۸ ----- (م ۱۳۲۸/ق ۱۳۸۶ش)، مدرّس راتب مدرّسه سپهسالار
- ۴۶۵ ----- ۱۳۶. دکتر ابوالقاسم گرّجی
- ۴۶۵ ----- (م ۱۳۲۲/ق ۱۳۸۹ش)، مدرّس مدرّسه مروی
- ۴۶۸ ----- ۱۳۷. آیت الله محی الدین انواری
- ۴۶۸ ----- (م ۱۳۲۳/ق ۱۳۹۱ش)، طلبه مدرّسه مروی
- ۴۷۲ ----- ۱۳۸. آیت الله حاج شیخ مجتبی تهرانی
- ۴۷۲ ----- (م ۱۳۲۴/ق ۱۳۹۱ش)، مدرّس مدرّسه مروی
- ۴۷۶ ----- ۱۳۹. آیت الله محمدرضا مهدوی کنی
- ۴۷۶ ----- (م ۱۳۳۵/ق ۱۳۹۳ش)، تولیت مدرّسه مروی
- ۴۸۸ ----- ۱۴۰. آیت الله سید ابراهیم خسروشاهی
- ۴۸۸ ----- (م ۱۳۳۸/ق ۱۳۹۵ش)، مدرّس مدرّسه مروی
- ۴۹۵ ----- ۱۴۱. آیت الله سید محمدرضا غروی
- ۴۹۵ ----- (م ۱۳۳۹/ق ۱۳۹۶ش)، محصل و مدرّس مدرّسه مروی
- ۵۰۰ ----- ۱۴۲. آیت الله شیخ محمد تقی شریعتمداری
- ۵۰۰ ----- (متولد ۱۳۱۳ش)، محصل و مدرّس مدرّسه مروی
- ۵۰۳ ----- ۱۴۳. آیت الله حاج شیخ نصرالله شاه آبادی
- ۵۰۳ ----- (م ۱۳۳۹/ق ۱۳۹۶ش)، محصل و مدرّس مدرّسه مروی
- ۵۰۶ ----- ۱۴۴. آیت الله شیخ محمد حسن اصطهباناتی
- ۵۰۶ ----- (متولد ۱۳۱۱ش، متوفای ۱۳۹۹ش)، مدرّس مدرّسه مروی

❖ فصل پنجم: مفاخری که اکنون از برکات علمی و معنوی شان بهره مندیم ۵۱۳

- ۵۱۵ ----- ۱۴۵. آیت الله احمد محسنی گرّکانی
- ۵۱۵ ----- (متولد ۱۳۰۵ش)، تولیت مدرّسه مروی

۱۴۶. آیت الله سید رضی الدین شیرازی ۵۱۹
- (متولد ۱۳۰۷ش)، محصل و مدرّس مدرسه مروی ۵۱۹
۱۴۷. علامه حسن حسن زاده آملی ۵۲۵
- (متولد ۱۳۰۷ش)، محصل و مدرّس مدرسه مروی ۵۲۵
۱۴۸. دکتر مهدی محقق ۵۳۱
- (متولد ۱۳۰۷ش)، طلبه مدرسه مروی و سپهسالار ۵۳۱
۱۴۹. آیت الله حاج شیخ محمد جعفری اراکی ۵۳۶
- (متولد ۱۳۱۰ش)، مدرّس مدرسه مروی ۵۳۶
۱۵۰. آیت الله دکتر سید محمدباقر حجتی ۵۴۳
- (متولد ۱۳۱۱ش)، محصل و مدرّس مدرسه مروی ۵۴۳
۱۵۱. آیت الله دکتر ابوالحسن شریف طبرستانی ۵۴۹
- (متولد ۱۳۱۲ش)، محصل و مدرّس مدرسه مروی ۵۴۹
۱۵۲. آیت الله العظمی شیخ عبدالله جوادی آملی ۵۵۶
- (متولد ۱۳۱۲ش)، طلبه مدرسه مروی ۵۵۶
۱۵۳. آیت الله سید حسن سعادت مصطفوی ۵۶۱
- (متولد ۱۳۱۵ش)، مدرّس مدرسه مروی و سپهسالار ۵۶۱
۱۵۴. آیت الله حاج شیخ محمدعلی جاودان ۵۶۵
- (متولد ۱۳۲۴ش)، طلبه مدرسه مروی و سپهسالار ۵۶۵
۱۵۵. آیت الله حاج شیخ محمدباقر تحریری ۵۷۲
- (متولد ۱۳۳۴ش)، تولیت مدرسه مروی و سپهسالار ۵۷۲

◆ فهرستی از دیگر مفاخر مدرسه مروی ۵۷۹

◆ فهرست منابع ۵۸۳



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين المعصومين و

اللعن الدائم على اعدائهم اجمعين.

«وَأَذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ...»^۱

خداوند متعال برای توجه انسان به ذات او، حرکت و رسیدن به او که غایت حقیقی وجود انسان است، راه‌های گوناگونی را، هم در وجود انسان و هم در عالم قرار داده است. یکی از آن راه‌ها، یادآوری زندگی و حالات بندگان شایسته خداوند سبحان است که در آیاتی از قرآن کریم، پیامبر بزرگوارش ﷺ را به آن امر می‌کند. این یادآوری، یکی از راه‌های تربیت انسان است که در راه حق چگونه قدم بردارد و این قدم نهادن چه لوازم و آثاری دارد؛ چنان‌که تذکر و توجه به زندگی و حالات و عاقبت انسان‌های ناشایست، از جمله این لوازم است و موجب تنبه و عبرت‌انگیزی بسیار بالایی خواهد بود. خداوند کریم به نبی اکرم ﷺ می‌فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ»^۲: صبر و استقامت داشته باش، همچنان‌که رسولان اولوالعزم صبر کردند». این سفارش‌ها، هم راه و روش صحیح زندگی را تعلیم می‌دهد و هم موجب تقویت نفس و اراده در مسیر تحقق حق می‌شود. بررسی زندگی عالمان دینی و کیفیت تعلیم و تعلم و مجاهدت‌های ایشان نیز چنین رسالتی را دربردارد، از این جهت، رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «عِنْدَ ذِكْرِ الصَّالِحِينَ يَنْزِلُ الرَّحْمَةُ»^۳: هنگام یاد کردن انسان‌های شایسته، رحمت الهی نازل می‌شود.

کتاب پیش‌رو، که محصول زحمات فراوان مخلصانه و مجدانه مؤلف گرانقدر جناب حجت الاسلام آقای حمید سبحانی صدر، دامت توفیقاته است، بدین منظور نگارش یافته تا به معرفی و بزرگداشت عالمان و فقیهان و فیلسوفان و متولیانِ پیردازد که بیش از دو قرن در مدرسه علمیّه مروی تدریس و تدرّس و تولیت داشته‌اند و با تحمل رنج‌های بسیار، تراث علمی معارف این دین حیات بخش و مذهب حقّه اهل بیت ﷺ را به ما به

۱- ص ۴۵.

۲- احقاف، ۳۵.

۳- بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۴۹.

ارث سپرده‌اند. چنین عالمانی که خود وارث انبیاء هستند و فضیلت ایشان بر عابد، مانند فضیلت خورشید بر ستارگان است،^۱ به فرموده امیرالمؤمنین (علیه السلام): تازمین و زمان برپاست، باقی هستند و گرچه اجسادشان در میان نیست، لکن نمودارشان در دل‌ها موجود است.^۲ بررسی زندگی مجاهدانه این عالمان، تداعی‌کننده همت و اخلاص بالای ایشان در کسب معارف الهیه در زمان‌هایی است که غلبه با حاکمان ظلم بود؛ عالمانی که با تلاشی خستگی‌ناپذیر به درجات بالای علم و معنویت دست یافتند، به گونه‌ای که عده‌ای از ایشان به جهت صفای قلب بالایشان به زیارت و رضایت مولایشان، امام زمان (علیه السلام) نایل گردیده، سپس موفق به پایه‌گذاری حوزه‌های درسی و تربیتی شدند و نسل‌هایی را در این راستا تربیت کردند و معارف نورانی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را از دستبرد دشمنان و مخالفان ایشان به سلامت به ما رساندند و وظایف سنگینی را بر عهده این نسل و آیندگان گذاردند؛ عالمانی که اثبات کردند با اخلاص و همت بلند و تلاش پیگیر و تحمل رنج‌های ناشی از کمبود مالی و غربت و بی‌مهری دوران و فشار حاکمان ستمگر، می‌توان این معارف را فراگرفت و بارور کرد و با تدریس و تألیف و تحقیق، آن را نگاه داشت و به آیندگان انتقال داد.

حوزه علمیه مروی که با اخلاص و بی‌نیازانگاری آن بنا شد، اولین حوزه موفق تهران است که در آن عالمان، فقیهان و فیلسوفان الهی پرورش پیدا کردند؛ بزرگانی که هر یک استوانه‌ای در رشته علمی خود شدند و هم منشأ تربیت فرهیختگان و دانش‌پژوهان گردیدند؛ هم در میان جامعه، منشأ خدمات علمی و فرهنگی و تربیتی شدند و هم گاهی در برابر مسیر انحرافی حاکمان ناصالح ایستادگی کرده و از نفوذ و تسلط بیگانگان بر فرهنگ و سیاست این کشور ممانعت به عمل آوردند، که این خود نشان دهنده قوت و نفوذ معنوی فقهای اسلام است. آنان اگرچه موفق به تشکیل حکومت دینی نشدند، لکن این کشور را از نابودی در پرتگاه تسلط بی‌دینی و از دست رفتن مکتب نورانی اهل بیت (علیهم السلام) نجات دادند و در ضمن، بی‌لیاقتی حاکمان ناصالح قاجار و پهلوی را نیز به اثبات رسانده و نسبت به خطر دشمنان اسلام و مسلمین روشننگری کردند.

* * *

محمد باقر تحریری

۱۷ شوال ۱۴۴۱ برابر با ۲۰ خرداد ۱۳۹۹

۱- روضة الواعظین، ص ۱۶، ج ۱۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.

پیش‌گفتار



خاتم رسولان ﷺ در جمع اصحاب خود، دو بار فرمودند: «اللَّهُمَّ لَقِّنِي إِخْوَانِي»؛ خدایا برادرانم را به من نشان بده. اطرافیان عرضه داشتند: آیا ما برادران تو نیستیم؟ فرمودند: خیر، شما اصحاب من هستید و برادرانم قومی از مردم آخرالزمان اند که «أَمْنُوا بِي وَ لَمْ يَرَوْنِي»؛ به من ایمان آورده‌اند، بی آنکه مرا دیده باشند... استواری هریک از آنها بر دینش... از کسی که آهنی گداخته در دست می‌گیرد بیشتر است. «أَوَّلِيكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى، يُنَجِّهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَبْرَاءَ مُظْلِمَةٍ»؛ آنها چراغ‌های شب‌های تارند که خداوند آنان را از هر فتنه غبارآلود و تاریک نجات می‌دهد.^۱

پرداختن به حیات طیبه آن پاکانی که نه تنها خود گرفتار غبار فتنه‌ها نشدند، بلکه در شب‌های تاریک عصر غیبت و ظلمات دوران حکومت طاغوتیان، چون چراغی تابان، رهنمای گرفتاران وادی حیرت و سرگستگی شدند، امری است که همیشه مرا بر سر شوق می‌آورد. مرا که خداوند منت نهاد و «لَمْ تُخْرِجْنِي... فِي دَوْلَةِ أُمَّةٍ الْكَفْرِ»؛^۲ مرا در دوران حکمرانی والیان کفر، از اصلاّب پدران و ارحام مادران خارج نکرد و اجازه داد تا در این دوران حاکمیت اسلام که طلوع فجر آن روز موعود ظهور است، پا بر عرصه گیتی گذارم و قرن‌ها مجاهدت آن چراغ‌های هدایتی که پیامبر رحمت ﷺ آرزوی دیدارشان را می‌کردند، به نظاره بنشینم.

۱- بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۸۴.

۲- دعای عرفه

برایم چه جانکاه است وقتی در میان صفحات تاریخ معاصر، حوادث تیره و تار و فتنه‌های پرغبار این دو قرن گذشته را مرور می‌کنم و چه باشکوه است مجاهدت مرزبانان حریم اسلام و تشیع که نگذاشتند بقایای این آیین حق، در تندباد حوادث و سیلاب خودکامگی طاغیان به ظاهر مسلمان، به کلی محو و نابود گردد؛ آنها که در میان غبار فتنه‌ها درخشیدند و مردم سرگشته را از این وادی حیرت رهانیدند و به سوی حقیقت هدایت کردند. بدون تردید بنای رفیع و مستحکم انقلاب شکوهمند اسلامی در عصر امام خمینی ره، مرهون آجر آجری است که عالمان مجاهد و بصیر، در حد توان خود، یک به یک روی هم نهادند تا این حصن حصین و بنیان مرصوص به دست معمار انقلاب بنا گردد.

و اما تهران، از آن زمان که «طهران» بود و مرکز حکمرانی حاکمانی خودکامه، منزلگاه فقیهان و حکیمانی ربانی شد که فانوس خانه‌هایشان، شب شکن شام سیاه قصرهای طاغوتیان بود؛ عارفانی که نجوای شبانه‌شان خواب شیاطین الانس را پیریشان می‌کرد و موعظه روزانه‌شان، دل‌های غفلت‌زده مردمان را بیدار؛ فقیهانی که فقهشان به مستضعفان، فهم و بصیرت و اجتهادشان به مکتب شیعه، حیات و پویایی می‌داد. آنگاه که از فقها و حکمای متأخر تهران سخن به میان می‌آید، ناگزیر انگشت‌ها مدرسه‌ای را نشانه می‌گیرند که بیش از دو قرن پیش از این، نقطه شروع ماجرای فقاہت و حکمت در «دارالخلافت طهران» بوده است. اصلاً قصه از همین مدرسه آغاز شد و به جاهای دیگر هم کشید؛ مدرسه‌ای که نزدیک به ۲۱۰ سال قبل، حجره‌ها و مدرّس‌هایش بنیان نهاده شد تا حوزه فقه و حکمت تهران نیز بنا شود؛ مدرسه‌ای که به نام بانی آن «محمدحسین خان فخرالدوله مروی» مدرسه فخریه مروی نام گرفت و به خاطر مرکزیت علمی و محوریت سیاسی‌اش در دو قرن گذشته، از سوی امام روح‌الله، «فیضیه تهران» لقب یافت.

در این آغاز سخن که اندکی مفصل‌تر از یک مقدمه است، می‌خواهم از سرگذشت تاریخی این مدرسه مبارکه، به اجمال سخن گویم تا خوانندگان گرامی در لابه‌لای شرح حال مفاخری که در پی می‌آید، این حقایق را جستجو کنند؛ و شاید این پیشگفتار در حکم جمع‌بندی مجموعه این نوشتار باشد که آن را از انتهای کتاب به آغاز سخن انتقال داده‌ام.

هر آنچه هست را باید در صفای باطن، نیت خالص و اقدام هوشمندانه خان مروی جستجو کرد؛ شخصیتی که به سختی، سرد و گرم روزگار را چشید و اخلاص و تدبیر را به هم آمیخت و این مرکز علم را بنا نهاد؛ او که خود، هم عالم بود و هم سیاستمدار، تجربه یک عمر زندگی پر فراز و نشیب خود از طلبگی تا حکمرانی را به کار گرفت و یک مدرسه علمیه تأسیس کرد. چه از نظر ساختمان و موقوفات آن و چه از لحاظ ترکیب مدیریتی که در متن وقفنامه به آن تصریح نموده، از هر نظر که بنگریم، محمدحسین خان مروی بسیار هوشمندانه و آینده‌نگر اقدام کرد. برخلاف برخی مدارس، همچون مدرسه عالی سپهسالار (مدرسه شهید مطهری فعلی) که تولیت آن با پادشاه بود، تولیت مدرسه مروی با مجتهد اعلم و ذی نفوذ دارالخلافه بود. آن هم نه به انتخاب و انتصاب پادشاه، که سلطان را در آن دخیل نبود، جز آنکه به فرمان او، ساختمان این مدرسه و تمامی موقوفات آن تا ابد از مالیات معاف باشد، که این هم از آن زیرکی‌های مؤنانه خان مروی بود، تا این مدرسه را از فراز و فرود حوادث محفوظ بدارد.

اقدام بانی مدرسه در امر تولیت، دست هوا و هوس شاهان خودکامه را از سرنوشت این مدرسه کوتاه کرد، هرچند که برخی عالمان درباری، هر از گاه به جایگاه و پایگاه حاصل از تولیت آن، چشم طمع می‌دوختند و گاه نیز در حد یک عروس یک شبه از آن کام می‌گرفتند، اما دست تقدیر، دست‌های پلید را از دامان آن کم و کوتاه می‌کرد. اینگونه نبود که محمدحسین خان مروی، چون وارثی نداشت، از سرریز ثروت خود تنها یک مدرسه با چند حجره و مدرّس بسازد و نام خود را بر سر در آن نقش زده و به حال خود رها کند. او در واقع، یک مجتمع علمی فرهنگی بزرگ با پشتوانه مالی مستقل و آیین‌نامه ابدی تأسیس کرد که دارای کتابخانه‌ای غنی و گنجینه‌ای از نسخ خطی قیمتی بود و برای آن، باغ و تفرجگاهی که در حکم فضاهای تفریحی و سالن‌های ورزشی امروزی بود، تعبیه کرد تا طلاب علوم دینی، بی‌هیچ دغدغه‌ای و در سلامت کامل جسمی و روحی به تحصیل معارف الهی بپردازند. این اقدام همه‌جانبه، بعدها با ساخت و راه‌اندازی یک مکتب‌خانه در روبروی مدرسه مروی که بودجه آن از محل موقوفات مروی تأمین می‌شد، تکمیل گردید؛ همچون مراکز آموزشی امروزی که از دبستان تا دانشگاه به تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان با یک شیوه آموزشی یکسان می‌پردازند.

♦ حوزه حکمی تهران

اینکه خان مروی در همان اندک سال‌های حیات خود پس از تأسیس مدرسه مروی، از فتح‌علی شاه قاجار خواست که با امر شاهانه‌اش، بزرگ‌ترین حکیم عصر، یعنی «ملا علی نوری» را به تهران فراخواند تا در مدرسه فخریه مروی، نخستین و بزرگترین مدرسه حکمی دارالخلافه را بنیان نهد، بسی جای تأمل دارد. گرچه ملا علی نوری، خود نیامد و به جایش، شاگرد معظم او جناب «ملا عبدالله زنوزی» از اصفهان به تهران آمد و در مدرسه مروی بر مسند تدریس حکمت تکیه زد، اما همین امر، نقطه آغازین مدرسه حکمی دارالخلافه گردید که تا سال‌های سال، تهران را مرکز ثقل حکمت و فلسفه ایران، بلکه دنیای اسلام قرار داد. حال باید به نقش خان مروی در شکل‌گیری مدرسه حکمی تهران به دیده تأمل نگریست. نه فقط حکمت، که در زمینه فقاہت نیز مدرسه مروی، شهر تهران را به عنوان منزلگاه طلاب ایرانی گردانید که از اقصی نقاط کشور به دارالخلافه هجرت می‌کردند تا پس از تحصیل دروس مقدمات و سطوح عالیه، از محضر اساتید بزرگ حوزه تهران که مرکز ثقلشان مدرسه مروی بود، به نجف اشرف مشرف شوند. در واقع، تا پیش از تأسیس حوزه علمیه قم، مدرسه مروی تهران، آمادگاه طلاب ایرانی بود که عزم نجف داشتند. با تأسیس حوزه علمیه قم توسط آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، گرچه این نقش را حوزه قم ایفا می‌کرد، اما حوزه تهران همچنان تنها مرکز علم برای تحصیل حکمت و فلسفه بود، تا آنجا که حتی طلابی که زادگاهشان شهر مقدس قم بود یا دروس مقدماتی و سطوح اولیه خود را در قم گذرانده بودند، برای تحصیل علوم عقلی به تهران و از جمله مدرسه مروی کوچ می‌کردند.

خورشید حکمت در حوزه تهران از افق مدرسه مروی طلوع کرد و تا پیش از پایان قرن سیزدهم هجری قمری، شعاع تابان آن، برخی مدارس دیگر را نیز فراگرفت. با مهاجرت حکیم میرزا ابوالحسن جلوه از اصفهان به تهران و استقرار در مدرسه دارالشفاء^۱ و شکل‌گیری مدرسه حکمت مشاء، و مهاجرت حکیم عارف، آقا محمد رضا قمشه‌ای، باز از همان اصفهان به تهران و سکونت در مدرسه صدر بازار^۲ و تشکیل حوزه عرفان نظری، و قرار گرفتن آقا علی مدرس حکیم در جایگاه مدرس و متصدی مدرسه سپهسالار قدیم و تدریس حکمت متعالیه، مثلی شکل گرفت که حوزه حکمی تهران را به اوج

۱- این مدرسه، روپروی جلوخان مسجد امام (مسجد شاه سابق)، آن سوی خیابان، جایی که اکنون یک بانک واقع است، قرار داشت.

۲- این مدرسه در ضلع غربی جلوخان مسجد امام قرار دارد که اخیراً به طور کامل تجدید بنا شده.

بالندگی خود رسانید.^۱ این مدارس بیشتر به حکمت و فلسفه شناخته می‌شدند، اما مدرسه مروی در همان دوران نیز جامع معقول و منقول بود. طبقه بعدی حکمای تهران همچون میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا محمود حکمی قمی، میر شهاب‌الدین نیریزی، میرزا هاشم اشکوری، شیخ علی نوری و دیگران نیز همین راه را در این سه مدرسه و مدرسه مروی ادامه دادند و مراکز حکمی دیگری، همچون مدرسه سید نصرالدین^۲ نیز با حضور حکیم ملا محمد هیدجی، به جمع این مدارس پیوست. اما اندک‌اندک خورشید علم در این مدارس غروب کرد؛ مدرسه دارالشفا و سید نصرالدین در زمان رضاخان به کلی ویران و محو شد و مدرسه صدر نیز در پی حوادث مشروطه رو به سستی و افول نهاد و در دوران پهلوی دوم، به یک خوابگاه نسبتاً دانشجویی مبدل شد. اما در این میان، مدرسه مروی (جز چند سال از دوره رضاخان) همچنان در جمع میان معقول و منقول سرفراز ماند و به تعلیم و تربیت جویندگان علم ادامه داد. مدرسه سپهسالار قدیم نیز که سال‌ها پس از مدرسه مروی، توسط میرزا محمدخان سپهسالار در محله «حیات شاهی» احداث شده بود، همچون حیات خلوتی در میان مدارس حکمت و فلسفه پابرجا ماند و جمعی از طلاب علم، به‌ویژه جویندگان حکمت و رهروان طریق معرفت را در خود جای داد.

مدرسه مروی در تدریس علوم ادبی و عقلی چنان محوری داشت که حتی برخی جوانان و آقازاده‌های اروپا رفته و دانشگاه‌زده نیز که قصد طلبگی نداشتند، برای تحصیل این دسته از علوم به این مدرسه می‌آمدند.^۳

۱- محسن صدراالاشراف که خود آن زمان را درک کرده است، گزارشی از این سه مدرسه حکمت و طبقه بعدی آن ارائه می‌کند. نک: *خاطرات صدراالاشراف*، صص ۶۶ و ۶۷.

۲- این مدرسه در خیابان خیام و در مجاورت امامزاده سید نصرالدین قرار داشت.

۳- در اینجا نقل این واقعه نیز خالی از لطف نیست: عبدالله مستوفی می‌نویسد: «عبدالعلی میرزا، پسر دوم معتمدالدوله (فرهاد میرزا) و ولیعهد علمی شاهزاده و از جوان‌های نسبتاً عالم دوره بود، معتمدالدوله در تربیت او بذل جهد می‌کرد و خود او هم به تحصیل رغبتی داشت، حتی برای تکمیل دانش خود به مدارس آخوندی هم می‌رفت و با طلاب، نزد مدرّس مدرسه درس می‌خواند؛ تخته‌نرد خوب بازی می‌کرد؛ شعر خوب می‌گفت و مطالب حکمتی را خوب می‌فهمید؛... ولی خیلی از خودراضی و نمایش‌پز دادن‌های علمی و ادبی او بیش از دانشمندی‌اش بود... یکی از روزها که برای خواندن *شرح اشارات* به مدرسه مروی رفته، به انتظار رسیدن نوبت و موقع درس با آخوندهای هم‌درس خود در ایوان یکی از حجرات، گرم مذاکره بود، ذغال‌موقروشی برای پیدا کردن مشتری جهت کالای خود با الاغش از در مدرسه وارد شد. شاهزاده که می‌خواست بذله‌گویی نماید و ماستی بار رفقای خود کند، با اشاره به سمت الاغ گفت: «این هم در این مدرسه حجره‌ای دارد؟» یکی از هم‌درس‌ها گفت: «خیر! از خارج آمده می‌خواهد *شرح اشارات* بخواند.» *شرح زندگانی من*، ج ۱، ص ۴۳۶.

❖ مدرسه مروی در تندباد حوادث

مدرسه مروی همیشه محور بود و مرکز اجتماع طلاب و علمای تهران. هرگاه امر مهمی پیش می‌آمد که لازم بود علما و فضلاء دارالخلافه با هم اجتماع کنند، مدرسه مروی اولین گزینه بود. اینجا بود که عالم و عامی را در خود جای می‌داد تا ذیل فتوای مراجع عظام وقت و مجتهدین بزرگ دارالخلافه، در حادثه‌ای که رخ نموده بود، به تصمیمی یکپارچه برسند.^۱ البته مدارس دیگری نیز گاه مرکز اجتماع بودند که به خاطر ترکیب حضارشان، نام «میتینگ»^۲ بر آنها سزاوارتر است.

مدرسه مروی دوران اوجی تا پیش از مشروطه دارد و یک پربشان حالی و فرودی در روزگار مشروطه و پس از آن. تا می‌آید کمی کمر راست کند و دوباره اوج بگیرد، سر و کله رضاخان میرپنج پیدا می‌شود و مدرسه علمیه مروی را به کلی از حضور طلاب و علما خالی کرده و بی‌توجه به نیت بانی و واقف آن، مرکز علوم دینی را به دانشکده هنرهای زیبا تبدیل می‌کند که دختران و پسران تازه به دوران رسیده در آن می‌لولیدند. بماند که بر سر خانه باغ مروی^۳ که به حکم واقف، تفرجگاه و مایه انبساط خاطر طلاب بود، چه آوردند و شد دبیرستان مروی که هنوز هم که هنوز است، عده‌ای ناآگاه طلبکارانه به آن می‌نگرند. مدرسه مروی با آن گذشته درخشانش، حال و روزی پیدا کرد که امام خمینی رحمته الله علیه نیز در متن کتاب **کشف الاسرار** با فریاد قلم، چنین به آن اشارت فرمود: «مدارس علمی را که سرچشمه این منظور بود، در تمام کشور از آنها گرفته یا بستند و یا مرکز فحشاء مشتی جوان تازه‌رس قرار دادند. مدرسه مروی را در تهران که از آن، هزاران عالم روحانی بیرون آمده بود، جایگاه مشتی آرامنه کردند»^۴.

❖ مخالفت با ورود طلاب به مشاغل دولتی طاغوت

این سال‌های پس از مشروطه تا عصر پهلوی دوم نیز حکایت دیگری دارد و آن، گرایش

۱- مرکزیت مدرسه مروی برای تجمع طلاب و فضلاء تهران سابقه‌ای مربوط به پیش از دوران مشروطه دارد. در سال‌های پیش از انقلاب نیز مدرسه مروی محل تجمعات اعتراض‌آمیز طلاب و علمای تهران بود. از آن جمله می‌توان به تجمع روحانیون تهران در مدرسه مروی در اعتراض به حمایت دولت ایران از رژیم اشغالگر قدس در تاریخ ۴۸/۱/۳ و تجمع اعتراضی نسبت به بی‌تفاوتی دولت ایران در قبال رفتار ناپایست دولت عراق با روحانیون ایرانی مقیم عراق در تاریخ ۴۸/۴/۱۱ اشاره کرد.

2- meeting

۳- واقع در ابتدای کوچه مروی، جایی که اکنون ساختمان شماره ۲ حوزه علمیه مروی قرار دارد.

۴- **کشف الاسرار**، ص ۳۳۲.

عده معدودی از طلاب و اساتید مدرسه مروی برای ورود به مشاغل دولتی، همچون وزارت عدلیه (دادگستری)، دیوان عالی تمیز (دیوان عالی کشور)، منصب قضاوت و مانند آن است؛ افرادی چون «سید نصرالله تقوی» و «شیخ علی مدرّس نوری» از مدرّسان مدرسه مروی، و «میر سید محمد فاطمی» و «محسن صدر الاشراف» که در این مدرسه به تحصیل علوم معقول و منقول اشتغال داشتند، همگی در مناصب بالای حکومتی اشتغال یافتند. اما موضع متولیان و اساتید میز مدرسه مروی در آن دوره‌ها، عمدتاً مخالفت با ورود به عرصه‌های حاکمیتی بود. چرا که این حکومت‌ها را طاغوت می‌دانستند و بر اساس فقه شیعه، هرگونه همکاری با دستگاه‌های حکومتی را «معاونت در اثم» و «یاری ظلمه» قلمداد می‌کردند. از این رو، عمدتاً چنان بود که اگر عالمی بنا بر اجتهاد و مصلحت سنجی خود، وارد دستگاه طاغوت می‌شد، هر قدر هم فاضل و دانشمند، از چشم‌ها می‌افتاد و ناگزیر، مدرسه مروی را ترک می‌کرد. آیت‌الله جوادی آملی که خود از طلاب و دانش‌آموختگان مدرسه مروی در سال‌های نخست حکومت پهلوی دوم است، درباره این خصوصیت مدرسه می‌نویسد: «مدرسه مروی از مدارس علمیه‌ای بود که طلاب آن به هیچ وجه با دستگاه دولت طاغوتی پهلوی ارتباط نداشتند. چون اگر طلبه‌ای هر چند منزه و فاضل، وارد دانشگاه رژیم شاه می‌شد، محبوب طلاب مدرسه مروی نبود و او را به چشم دیگری نگاه می‌کردند و این به خاطر فاصله‌ای بود که میان رژیم طغیانگر پهلوی و مذهب و دیانت و روحانیت وجود داشت. از این رو، اگر کسی به دانشگاه می‌رفت، هر چند برای تدریس معارف دین و قرآن، محبوب نبود و از انتظار می‌افتاد.»^۲

به این ترتیب، می‌بینیم که برخی از برترین اساتید و مدرّسان حوزه علمیه تهران که خود سال‌ها در مدرسه مروی به تحصیل معقول و منقول اشتغال داشته‌اند، به خاطر

۱- سید نصرالله تقوی (م ۱۳۶۷/ق ۱۳۲۶ش) در معقول، از دروس حکمت میرزا ابوالحسن جلوه و در فقه و اصول، از محضر میرزا محمدحسن آشتیانی بهره برد. سپس به نجف و سامرا رفت و در دروس عالیّه میرزای شیرازی شرکت کرد. با تشکیل اولین مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۴ق، سید نصرالله تقوی به نمایندگی از طلاب تهران وارد مجلس شد و این نمایندگی در مجالس دوم و سوم نیز ادامه یافت. (رک: تربت پاکان قم، ج ۴، ص ۲۱۲۴) نگارنده در اسناد مالی مدرسه مروی مربوط به سال ۱۳۲۹ق، نام سید نصرالله تقوی را در زمره اساتید این مدرسه دیده است. این امر حکایت از آن دارد که وی در همان سال‌های نمایندگی مجلس، در مدرسه مروی تدریس داشته و از سوی جمعی از طلاب و اساتید این مدرسه و مدارس دیگر تهران، به نمایندگی انتخاب شده بود. او بعدها به ریاست دانشکده معقول و منقول، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دادستانی کل کشور منصوب شد.

۲- ملقب به شیخ شوارق که سال‌ها در مدرسه مروی مدرّس حکمت بود و شرح حالش در این کتاب آمده است.

۳- مهر استاد، ص ۵۷.

ورود به عرصه‌های حاکمیتی، دیگر در مدرسه مروی حضور نیافته و در مراکز علمی دیگری، همچون مدرسه سپهسالار جدید (مدرسه عالی شهید مطهری فعلی) به تدریس اشتغال داشته‌اند. البته در فرازهای زندگی آنان، تصریحی به دلایل عدم حضور علمی ایشان در مدرسه مروی نشده، اما استنباط این امر چندان کار دشواری نیست.

❖ از مدرسه مروی به دانشگاه

اما مدرسه مروی در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ش، حال و هوای دیگری یافت؛ نسل نوینی از طلاب علوم دینی به آن مدرسه راه یافتند که شبانه‌روز به فراگیری دروس معقول و منقول مشغول بودند و پای برخی از ایشان به دانشکده معقول و منقول در فرهنگستان ایران باز شده، آنجا نیز تحصیل می‌کردند؛ طلاب فاضلی که هر یک از آنها بعدها در حوزه و دانشگاه و سنگرمساجد خوش درخشیدند. گویا موجی خروشان در مدرسه مروی به جریان افتاده بود و هوای دانشگاه را در سر بسیاری از طلاب نخبه آن روزگار می‌انداخت؛ طلابی که البته بعضی از آنها لباس روحانیت را از تن درآوردند و بعدها عمدتاً در محیط دانشگاه‌های داخلی و خارجی به تدریس مشغول شدند. یکی از نکات جالب توجه در آن دوران، حضور اساتید بزرگواری است که با وجود احراز رتبه اجتهاد، هر یک به دلیلی، عمامه از سر برداشته و لباس روحانیت از تن درآورده بودند و تمرکز علمی‌شان بیشتر بر دانشکده الهیات و حقوق دانشگاه تهران و دیگر مراکز آموزش عالی بود. با این حال، مقام علمی و معنوی‌شان چنان بود که مدرسه فخریه مروی به حضورشان در جمع اساتید و طلاب و تدریستان در این مرکز حوزوی افتخار می‌کرد.

❖ مدرسه مروی در مسیر نهضت امام خمینی

مدرسه مروی که از بدو تأسیس، با محوریت متولیان خود، محور حوادث تاریخی - سیاسی مهمی چون قتل سفیر روس، لغو قرارداد رویتز، تحریم تنباکو و انقلاب مشروطه بود، در آن سال‌های پس از سقوط دیکتاتوری رضاخان نیز در حکم قلب تپنده حوزه تهران، در تحولات سیاسی پهلوی دوم فعالیت می‌کرد. گواه این ادعا، حضور و رفت و آمد شهید نواب صفوی به مدرسه مروی و گرایش عده‌ای از طلاب و فضلاء مدرسه به ایشان است.

گزارش‌های تاریخی حاکی از حضور فعال طلاب مدرسه مروی در اقدامات

و تحرکات فدائیان اسلام در آن سال‌هاست. حتی پس از آنکه سید عبدالحسین واحدی در تاریخ ۱۳۲۲/۳/۱۵ در مسجد جامع بازار، جدایی خود از نواب صفوی را اعلام کرد، چندی بعد «خبر تشکیل جمعیت فرزندان قربانی اسلام توسط طلاب مدرسه مروی، به رهبری عبدالحسین واحدی، به دستگاه امنیتی شاه واصل شد.»^۱

مدرسه مروی مرکز آشنایی و ارتباط گیری علمای مجاهد و مبارزی بود که در سنگر محراب و منبر و تدریس، و با زبان و قلم با طاغوتیان می‌جنگیدند. حضور چندساله اساتیدی چون شهید آیت‌الله مطهری و شهید حاج شیخ قاسم اسلامی و طلابی چون سید هاشم حسینی و آیت‌الله محی‌الدین انواری و امثال ایشان، گویای این حقیقت است. محوریت مدرسه مروی در تحولات و تحرکات سیاسی دوران پهلوی تا بدانجا بود که گفته‌اند: «مدرسه مروی» بورس اعلامیه‌های سیاسی و به خصوص اعلامیه‌های علما بود.^۲

اسناد ساواک گویای آن است که تا پیش از حدود سال ۱۳۴۴ش، دستگاه اطلاعاتی حکومت پهلوی را به جمع طلاب و اساتید مدرسه مروی راهی نبوده و این نهاد امنیتی طاغوت از این بابت بسیار نگران بود؛ آن‌هم مدرسه‌ای که محل آمد و شد فضایی بود که در گوشه و کنار، به مبارزه پنهان و آشکار با رژیم شاهنشاهی مشغول بودند. این‌گونه بود که ساواک تصمیم به نفوذ گرفت و در میان طلاب و فضلاء مدرسه مروی رخنه کرد تا با اختلاف‌افکنی در میان آنها، تشتتی در صفوف طلاب و اساتید مخالف رژیم شاه و طرفدار حضرت امام ایجاد کند.

هنگامی که فریاد اسلام‌خواهی امام امت در فضای جامعه طنین‌انداز شد، تحرکات سیاسی طلاب و اساتید مدرسه مروی رنگ دیگری به خود گرفت. نگارنده بر اساس شواهد تاریخی بر این عقیده است که حضرت امام که بعدها خطاب به آیت‌الله مهدوی کنی، مدرسه مروی را «فیضیه تهران» نامیدند، از همان آغاز حرکت، با فرستادن شاگردان عالم، بصیر و مجاهد خود به مدرسه مروی، می‌کوشیدند چراغ فروزان نهضت اسلامی را در شهر تهران و در میان جامعه روحانیت آن روشن نگه دارند. حضور شخصیت‌هایی چون شهید آیت‌الله حاج شیخ حسین غفاری، شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله محلاتی، آیت‌الله محمد رضا مهدوی کنی، رفت و آمد حاج آقا مصطفی خمینی و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به این مدرسه،

۱- پیشکسوت انقلاب، شهید حاج مهدی عراقی، بخش اول، ص ۱۶.

۲- خاطرات لطف‌الله میمنی، ج ۱، ص ۴۷.

همگی گویای این حقیقت است. در این میان نقش شهید شیخ فضل الله محلاتی که در مدرسه مروی، نه محصل بود و نه مدرس، بیش از همه درخور توجه است. او بود که با حوصله و سعه صدر، در جمع طلاب می نشست و با آنها هم سخن می شد و غبار جهل و تردید را از برابر دیدگان آنها کنار می زد.^۱ هرچند بودند افرادی در میان طلاب که با کج اندیشی، زبان به تخریب و مذمت این شاگرد مجاهد امام می گشودند.^۲ خطابه های آتشین شهید هاشمی نژاد،^۳ مرحوم کافی^۴ و حاج شیخ محمدتقی فلسفی^۵ در مسجد مروی نیز مکمل پازل محوریت مدرسه مروی در میان مدارس علمیه تهران در فضای سیاسی آن دوره است. کوتاه سخن آنکه امام خمینی رحمه الله در پیام انتصاب آیت الله مهدوی کنی بر تولیت مدرسه مروی، خواهان حضور علما و فضلاء تهران در این مدرسه شدند؛^۶ حضوری که استمراری بر محوریت علمی، فرهنگی و سیاسی مدرسه مروی در حوزه تهران است؛ محوریتی که بنا به حکم رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای در انتصاب آیت الله تحریری بر تولیت این مدرسه، «موجب

۱- از جمله در یکی از اسناد ساواک مربوط به تاریخ ۱۳۴۵/۶/۸ آمده است: «در مدرسه مروی سازمان و تشکیلات منظمی برای مخالفت با دستگاه وجود ندارد؛ فقط گاهی اوقات در فرصت مناسب، یک عده از طلاب ناراحت، به تحریک و تحت سرپرستی شیخ فضل الله محلاتی، یکی از روحانیون افراطی و طرفدار خمینی، در یکی از حجره ها اجتماع نموده و از اوضاع مملکت و اقدامات دولت انتقاد می کنند.» مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازبایی سند: ۱۰۹۹۰۲۳.
۲- نمونه ای از این کج اندیشی را در سند شماره ۰۱۱۰۲۰۷۲، مربوط به تاریخ ۱۳۴۸/۴/۱۶ در مرکز اسناد انقلاب اسلامی می بینیم.

۳- در یکی از گزارش های ساواک مربوط به تاریخ ۱۳۴۲/۹/۳۰، درباره سید عبدالکریم هاشمی نژاد آمده است: «نامبرده بالا در ایام محرم سال گذشته از مشهد به تهران آمده و در منزل پدر خانمش سکونت نموده و چندبار در مسجد مروی صحبت نمود... و به فرموده ریاست ساواک تهران در تاریخ ۴۲/۳/۱۲، از طرف این ساواک دستگیر و به زندان قزل قلعه تحویل گردید.» نک. **بازار امام به روایت اسناد ساواک، شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد**، ص ۱۲. نمونه دیگری از اینگونه سخنرانی های شهید هاشمی نژاد در مسجد مروی که منجر به دستگیری اش شد، در تاریخ ۱۳۴۴/۱۰/۱۳ صورت گرفت. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازبایی سند: ۳۸۶۰۵۵.

۴- نمونه ای از این سخنرانی های آتشین مرحوم شیخ احمد کافی، سخنرانی ماه مبارک رمضان ایشان در مهر و آبان سال ۱۳۵۲ش در مسجد مروی است که به دعوت آیت الله سید محمدعلی سبط در این مکان مقدس ایراد سخن داشت. به همین دلیل، مرحوم کافی را در تاریخ ۱۳۵۲/۷/۲۱ احضار کرده و از ایشان تعهد می گیرند که دیگر سخن سیاسی نگوید. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازبایی سند: ۰۱۳۱۲۰۶۷.

۵- سخنرانی مرحوم شیخ محمدتقی فلسفی در مسجد مروی در تاریخ ۱۳۴۸/۱۱/۲۲ با حضور قریب ۸۰۰ نفر از مردم و طلاب.

۶- امام خمینی رحمه الله در ضمن این حکم مرقوم فرمودند: «علما و مدرسین تهران، دامت برکاتهم؛ کوشش نمایند در تعلیم و تربیت طلاب محترم مدرسه و با رفت و آمد خودشان، چنانچه سیره سلف صالح، رحمهم الله بود، این مدرسه را با علم و عمل روشنی بخشند.» **صحیفه امام**، ج ۱۹، ص ۷۱.

ارتقاء این پایگاه دیرین فقه و فلسفه می‌گردد. همانگونه که مدرسه مروی در طول دو قرن گذشته منشأ دگرگونی‌های علمی، فرهنگی و سیاسی بسیاری بود، امروزه نیز می‌توان با ارتقای این پایگاه فقهی و فلسفی، تحولات چشمگیری را رقم زد.

♦ درباره این کتاب

گرچه نوشتار حاضر به بیان شرح حال مفاخر علمی مدرسه مروی اختصاص دارد، اما در روایت زندگانی این بزرگان، به مواردی اشاره شده که از کنار هم قرار دادن آنها می‌توان به تاریخ دویست ساله مدرسه مروی، بلکه تاریخ حوزه علمی تهران در مقیاسی محدودتر، دست یافت. این کتاب یک معجم نیست تا بر اساس حروف الفبا به شرح حال عالمان نامی بپردازد؛ بلکه همچون یک کتاب تاریخ است که بر مبنای تاریخ وفات مفاخر علمی این مدرسه مبارکه گرد آمده تا در مجموع، نوشتاری تاریخی رقم بخورد.

با الهام از کلام شفاهی حضرت امام به آیت الله مهدوی کنی که مدرسه مروی را «فیضیه تهران» نامیدند، ما نیز این دانشنامه را **فیضیه تهران** می‌نامیم و از آنجا که در سال‌های اخیر، مدرسه سپهسالار قدیم (شهید بهشتی) که دیوار به دیوار مدرسه مروی بنا شده، به این مدرسه متصل شده و تحت یک تولیت اداره می‌شوند و در حال حاضر، این دو مرکز علم، در واقع یک مدرسه می‌نمایند، شرح حال مفاخر مدرسه مروی را با شرح حال مفاخر مدرسه سپهسالار قدیم به هم آمیختیم. به عبارت دیگر، همچون دو مدرسه فیضیه و دارالشفاء در قم که چنین حکایتی دارند، ما نیز مدرسه سپهسالار قدیم را در حکم دارالشفایی برای فیضیه تهران قلمداد کردیم و از این رو، مفاخر این دو مدرسه را تجمیع نمودیم.

فیضیه تهران پنج فصل دارد که براساس دوره تولیت متولیان بزرگوار مدرسه مروی، در هر فصل به شرح زندگانی مجموعه‌ای از مفاخر پرداخته می‌شود. از ویژگی‌های این پژوهش آن است که به فهرست دقیقی از متولیان مدرسه مروی دست یافتیم که عبارت‌اند از: میرزا مسیح مجتهد استرآبادی، میرزا محمد اندرمانی، ملا هادی مدرّس طهرانی، حاج ملا علی کنی، میرزا محمد حسن آشتیانی، شیخ مرتضی آشتیانی، میرزا احمد آشتیانی، آیت الله سید محمد بهبهانی، میرزا محمدباقر آشتیانی، آیت الله محمدرضا مهدوی کنی، آیت الله احمد محسنی گرکانی و آیت الله محمدباقر تحریری.

همانگونه که ذکر شد، در این نوشتار، نام مرحوم ملا هادی مدرّس طهرانی را به جمع متولیان مدرسه مروی افزوده ایم که دلیل آن در ضمن شرح حال وی خواهد آمد. در این میان، تولیت آیت الله سید محمد بهبهانی که صرفاً به منظور بازپس گیری مدرسه مروی از دست حکومت پهلوی بوده، نزدیک به یک سال طول کشید. در دو مورد نیز شاهد تولیت میرزا زین العابدین امام جمعه و فرزندش میرزا ابوالقاسم امام جمعه هستیم که نگارنده بر اساس ادله ای که خواهد آمد، چون این تولیت ها را به وجه صحیح شرعی نمی داند، از قرار دادن آنها در فهرست متولیان مدرسه صرف نظر کرده است. در سه دوره نیز مدرسه مروی به واسطه نایب تولیت اداره می شد:

۱. در زمان میرزا مسیح مجتهد که به خاطر تبعید این مجتهد بزرگ دارالخلافت از تهران، مدرسه مروی توسط نایب تولیتی اداره شد که نگارنده اطلاع دقیقی از نام و نشان وی به دست نیاورد.

۲. در زمان آیت الله شیخ مرتضی آشتیانی که به دلیل هجرت ایشان به مشهد مقدس، اداره امور مدرسه بر عهده مرحوم شیخ محمد علی نوری بود.

۳. در زمان آیت الله میرزا احمد آشتیانی که مدرسه مروی توسط فرزند ایشان، آیت الله میرزا باقر آشتیانی، اداره می شد که بعدها خود در جایگاه تولیت مدرسه مروی قرار گرفت.

در این پژوهش به فهرستی هرچند ناقص از اسامی مدرّسان اصلی مدرسه مروی دست یافتیم که در هر دوره، کرسی اصلی تدریس در این مدرسه در اختیار ایشان بود. این مدرّسان عالیقدر به ترتیب دوران تصدی این جایگاه عبارت اند از: ملا عبدالله زنوزی، میرزا ابوالقاسم کلانتر طهرانی، ملا هادی مدرّس طهرانی، میرزا عبدالرحیم نهاوندی، سید عبدالکریم لاهیجی، سید آقا میرزا افجه ای نجفی، میرزا مسیح طالقانی، سید اسماعیل حسینی طباطبایی، آیت الله سید محمد حسینی تنکابنی، آیت الله سید عباس فشارکی و آیت الله سید محمد رضا غروی.

حجم مطالب به کار رفته در شرح حال هریک از مفاخر، یکسان نیست؛ بعضی بیشتر و بعضی کمتر، و این لزوماً نه به خاطر میزان اهمیت یک شخصیت، بلکه ناشی از حجم اطلاعات موجود از زندگانی آن شخص و میزان ارتباط مطالب آن با تاریخ مروی و سپهسالار است. شاید شخصیتی از شهرت کمتری برخوردار باشد، اما چون در ذیل شرح حال او می توانستیم به بیان زوایای جدیدی از تاریخ علمی، اجتماعی و سیاسی این دو مدرسه بپردازیم، کمی به تفصیل سخن گفته ایم. از این رو، شرح

زندگانی متولیان فقید مدرسه مروی به خاطر نقش مؤثرشان در تاریخ معاصر و بالتبع این مدرسه، از تفصیل بیشتری برخوردار است.

◆ چند نکته پیرامون این کتاب

۱. در دوران مربوط به حدود یکصد سال اول تاریخ مدرسه مروی، به منظور احصاء تاریخ مفاخر که احتمال محو آن در گذر زمان است، عمدتاً به شرح حال بیشتر شخصیت‌هایی که در این مدرسه تدریس یا تحصیل قابل توجهی داشته‌اند و نگارنده از وجودشان اطلاع یافته است، پرداخته‌ایم.

۲. در نگارش شرح حال مفاخر مدرسه مروی در یکصد سال اخیر، عمدتاً به اساتید و مدرّسان مدرسه که به شرح زندگانی آنان دسترسی داشته‌ایم، پرداخته‌ایم و از میان دانش‌آموختگان مدرسه در این مدت، تنها به شرح حال آن دسته از بزرگان که شرح زندگانی‌شان مبّین فضای تاریخی مدرسه است، اکتفا کرده‌ایم.

۳. از آنجا که تاریخ مدرسه سپهسالار قدیم (شهید بهشتی) در غبار گذر ایام به فراموشی سپرده شده و اطلاع کمی از آن در دست است، از بسیاری از طلاب و اساتید آن، سخن گفته‌ایم تا به تصویر روشن‌تری از تاریخ این مدرسه دست یابیم.

۴. اگر چه در شماره‌گذاری اسامی مفاخر که شرح حال آنها آمده، به عدد ۱۵۴ رسیده‌ایم، اما مفاخری که در مجموع کتاب، در متن یا پاورقی، از آنها سخن گفته‌ایم و همگی در این مدرسه تحصیل و تدریس داشته‌اند، بیش از این عدد است. دلیل این امر، نیافتن شرح حال کامل برخی مفاخر یا جلوگیری از تطویل کتاب است. بنابراین در برخی موارد که یک پدر و فرزند، هر دو، در مدرسه مروی یا سپهسالار قدیم تحصیل یا یکی از آنها تدریس داشته است، یکی از ایشان را محور قرار داده و از آن شخصیت دیگر، ذیلاً سخن گفته‌ایم.

۵. بدون تردید شخصیت‌های بسیاری از قلم افتاده‌اند که امید است به کمک اندیشمندان و صاحب‌نظران، در چاپ‌های بعدی این اثر بر آن بیفزاییم.

در پایان لازم می‌دانم از جمعی از سروران گرامی که در تمامی مراحل پژوهش و نگارش این اثر مرا همراهی نمودند، تقدیر و تشکر نمایم:

- تولیت محترم مدرسه علمیه مروی، حضرت آیت‌الله تحریری، که پیشنهاد اولیه تدوین این دانشنامه از آن ایشان است و در طی این مسیر از عنایت ویژه این بزرگوار بهره‌مند بودم.

- مدیریت محترم و کادر پرتلاش مدرسه مروی، به‌ویژه معاون محترم پژوهش،
حجت الاسلام اسکندری.

- مسئول محترم کتابخانه مدرسه مروی و نگارنده کتاب *حوزه مروی و نقش آن در تاریخ معاصر*، جناب حجت الاسلام مجید آژده که از مشورت و الطاف ایشان در استفاده از نسخ خطی مدرسه بهره‌مند بودم.

- استاد ارجمندم حضرت حجت الاسلام محمدباقر ادیبی لاریجانی که پیوسته از نظرات ارزشمند ایشان استفاده کرده‌ام.

- سرکار خانم دکتر عبدی‌خان که با دقتی تمام، کار ویرایش این اثر را بر عهده داشتند.

* * *

حمید سبحانی صدر

نیمه شعبان ۱۴۴۱ ق * برابر با ۲۱ فروردین ۱۳۹۹ ش